



قرآن

قرآن، در اصل مصدر است و به کتابی که بر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و آله‌وسلم) اختصاص پیدا کرده است گفته می‌شود. و چنان‌که برخی علما گفته‌اند: وجه نامگذاری این کتاب مقدس به قرآن، آن است که این کتاب، جامع فوائد و آثار تمامی کتب آسمانی است بلکه جامع آثار تمامی علوم است.^[۱] راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات راغب، ج ۱، ص ۴۰۲.

فهرست مندرجات

- ۱ - اقسام معانی قرآن
 - ۱.۱ - جامد
 - ۱.۲ - مشتق
 - ۱.۳ - برگرفته از قرء
- ۲ - دلایل قوی‌ترین اقوال
 - ۲.۱ - دلیل اول
 - ۲.۲ - دلیل دوم
 - ۲.۳ - دلیل سوم
 - ۲.۴ - دلیل چهارم
- ۳ - وظائف مسلمانان
 - ۳.۱ - وظیفه عملی
- ۴ - پانویس
- ۵ - منبع

اقسام معانی قرآن

در معنای قرآن وجوه پنج‌گانه ای گفته شده است.^[۲] بحرانی، سید هاشم، البرهان، ج ۱، ص ۳۷۳ - ۳۷۴.
^[۲] سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان، ج ۱، ص ۱۶۲ - ۱۶۳.
که می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم نمود:

← جامد

قرآن، اسمی جامد و غیرمشتق و علم ارتجالی است و بدون آن‌که پیشینه استعمال در زبان عرب داشته باشد، خداوند به عنوان اسم خاص برای وحی‌ای که بر پیغمبرش نازل فرموده، قرار داده است؛ مثل تورات و انجیل که اسم برای کتاب‌های حضرت موسی(ع) و عیسی(ع) هستند (شافعی).

← مشتق

الف) مشتق از قرن الشيء بالشيء؛ یعنی چیزی را به چیزی ضمیمه کردن. علت این نامگذاری، مقرون بودن سوره‌ها و آیات و حروف به یکدیگر است (اشعری و جمعی دیگر).
ب) قرآن، مشتق از قرآن، جمع قرینه است؛ زیرا آیاتش همانند یکدیگرند و بعضی بعض دیگر را تأیید می‌کنند. هر آیه از قرآن، قرینه آیات دیگر است (فراء).

← برگرفته از قرء

الف) از قرء به معنای جمع گرفته شده است. عرب وقتی بخواهد بگوید: آب را در حوض جمع کردم، می‌گوید: قرأت الماء فی الحوض. علت این نامگذاری، آن است که این کتاب همه ثمرات کتب آسمانی پیشین را در خود جمع نموده است (ابن اثیر، زجاج و...).
ب) بر وزن رحمان و غفران، مشتق از ماده قرأ به معنای تلاوت است. در این‌جا از باب تسمیه مفعول به مصدر، مقروء، یعنی خوانده شده و یا خواندنی، به نام قرآن، یعنی خواندن به کار رفته است؛ مثل آن‌که کتاب، که به معنای نوشتن است، به مکتوب (نوشته شده) اطلاق می‌گردد (لحیانی و جمعی دیگر).

دلایل قوی‌ترین اقوال

از میان اقوال پنج‌گانه فوق، قول پنجم از همه قوی‌تر به نظر می‌رسد.

← دلیل اول

زرقانی پس از رد سایر اقوال، همین قول را اختیار نموده است.
^[۴] زرقانی، محمد، مناهل العرفان، ج ۱، ص ۱۴.

← دلیل دوم

القراءة ضم الحروف والكلمات بعضها الي بعض في الترتيل...؛ فراءت به معنای بیوند و ضمیمه نمودن حروف و کلمات به یکدیگر در هنگام ترتیل است. [۵] راغب اصفهانی، حسین بن مجد، راغب، مفردات، ص ۶۶۸.

به سخن دیگر، فراءت همان تلاوت آیات الهی است.

← دلیل سوم

و قوله: «ان علينا جمعه و قرأه» ... القرآن هاهنا مصدر كالفرقان و الرجحان، و الضمیران للوحي، و المعني: لاتعجل به، اذ علينا ان نجمع ما نوحیه اليك بضم بعض اجزائه الي بعض و فراءته عليك

[۶] طباطبائی، مجدحسین، المیزان، ج ۲۰، ص ۱۰۹.

از آیه فوق به خوبی برمی آید که اگر حتی آن گونه که **ابن اثیر** گفته است، اصل در واژه قرآن معنای جمع باشد، به خاطر تقارن این واژه با واژه جمع در آیه شریفه ناگزیر قرآن به معنای فراءت و خواندن خواهد بود وگرنه تکرار آن امری لغو و بیهوده بوده، با **فصاحت** قرآنی منافات دارد.

← دلیل چهارم

دلیل دیگر که نظریه پنجم را تقویت می کند، امر «اقرا» در نخستین **وحي** بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است که بی تردید به معنای «بخوان» است. لفظ قرآن نیز نخستین بار در آیه چهارم از **سوره مزمل** نازل شده که مطابق حدیث معروف **جابر بن زید و ابن عباس**، سومین **سوره** در ترتیب نزول سوره هاست.

[۷] سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۸۱.

در این آیه، دستور چنین است: «و رتل القرآن ترتیلا؛

[۸] مزمل/سوره ۷۳، آیه ۴.

و «قرآن» را شمرده شمرده بخوان.» در آخرین آیه از همین سوره نیز بار دیگر در يك فرمان همگانی اعلام می شود: «فاقرؤا ماتیسر من القرآن؛

[۹] مزمل/سوره ۷۳، آیه ۲۰.

هرچه از «قرآن» میسر می شود، بخوانید.» بدیهی است که منظور در هر دو آیه، قرآن خواندن است. نتیجه آن که روشن ترین و مناسب ترین معنا برای قرآن، اشتقاق آن از ماده قرا به معنای تلاوت کردن است.

وظایف مسلمانان

خداوند دو وظیفه اصلی و مهم برای مسلمانان نسبت به کتاب الهی بیان کرده است. خداوند در آیه ۶۲ **سوره بقره** می فرماید: «خُذُوا مَا آتَيْتَاكُمْ يَقُوًّا؛ [۱۰] بقره/سوره ۲، آیه ۶۲.

آنچه به شما داده شده را با قوت بگیرید.» این گرفتن باید به دو شکل علمی و عملی باشد. یعنی **تدبر** و فهم دقیق و عمیق و عمل درست و کامل. از امام صادق (علیه السلام) ذیل همین آیه می پرسند: «اقوه فی الابدانام قوه فی القلوب؛ آیا به نیروی جسمها یا دلها؟» آن حضرت می فرماید: «فیهما جمیعا؛ به هر دو»

[۱۱] مجلسی، مجدباقر، بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۲۲۶.

خداوند در آیه ۲۹ **سوره ص** می فرماید: «کِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ؛

[۱۲] ص/سوره ۳۸، آیه ۲۹.

این کتابی مبارک است که به سوی تو فرستاده شده تا در آیات آن تدبر کنی.» و در آیه ۲۴ **سوره مجد** نیز می فرماید: «أَقْلًا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا؛

[۱۳] مجد/سوره ۴۷، آیه ۲۴.

چرا در قرآن تدبر نمی کنی، آیا بر دلهايشان قفل نهاده شده است؟»

← وظیفه عملی

این دو آیه وظیفه علمی ما را نسبت به قرآن بیان می کند. اما درباره وظیفه عملی نیز می فرماید که **مسلمانان** باید این گونه باشند: «كانهم بُنِيَانٌ مَرْصُوصٌ» [۱۴] صف/سوره ۶۱، آیه ۴.

یعنی مسلمانان باید به گونه ای عمل کنند که دیگر نفوذ ناپذیر شوند و کسی قصد و نیت حمله پیدا نکند. باید اهل **استقامت** و پایداری در دین باشند: «فَاسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛

[۱۵] هود/سوره ۱۱، آیه ۱۱۲.

پس، همان گونه که دستور یافته ای، ایستادگی کن و هر که با تو **توبه** کرده [نیز چنین کند] و طغیان نکنی که او به آنچه انجام می دهد بیناست.»

مسلمان باید به گونه ای باشد که **دشمن** وقتی می آید می بیند که نمی تواند نفوذ کند و «وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً؛

[۱۶] توبه/سوره ۹، آیه ۱۲۳.

باید در شما غلظت و ستبر و سختی باشد» که کسی دیگر **طمع** نرزد. البته در میدان **جهاد** باید حمله کرد و غلظت داشت: «حَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ؛

[۱۷] توبه/سوره ۹، آیه ۷۳.

با **کفار** و **منافقان** جهاد کن و بر آنان سخت بگیر!»

اما در حالت عادی نمی خواهد این گونه رفتار کنید بلکه باید کسی که از بیرون شما را ببیند دزی استوار و نفوذناپذیر ببیند و لازم نیست حمله کنید تا غلظت و ستبری خود را در حمله به نمایش بگذارید، بلکه همین غلظت و ستبری را در شما بیابند. پس وظیفه هر مسلمانانی نسبت به قرآن این است که در آن تدبر کند و مفاهیم آن را بفهمد و در مقام عمل به شدت بر عمل به آن مراقبت و مواظبت نماید و کوتاه نیاید و از **حدود الهی** تجاوز نکند و اجازه تجاوز و عصیان ندهد.

پانویس

- ↑ راغب اصفهانی، حسین بن مجد، مفردات راغب، ج ۱، ص ۴۰۲.
- ↑ بحرانی، سید هاشم، البرهان، ج ۱، ص ۳۷۳ - ۳۷۴.
- ↑ سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج ۱، ص ۱۶۲ - ۱۶۳.
- ↑ زرقانی، مجد، مناهل العرفان، ج ۱، ص ۱۴.
- ↑ راغب اصفهانی، حسین بن مجد، راغب، مفردات، ص ۶۶۸.
- ↑ طباطبائی، مجدحسین، المیزان، ج ۲۰، ص ۱۰۹.
- ↑ سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۸۱.
- ↑ مزمل/سوره ۷۳، آیه ۴.

۹. ↑ مزمل/سوره ۷۳، آیه ۲۰.
۱۰. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۶۳.
۱۱. ↑ مجلسی، مجدباقر، بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۳۲۶.
۱۲. ↑ ص/سوره ۳۸، آیه ۲۹.
۱۳. ↑ مجد/سوره ۴۷، آیه ۳۴.
۱۴. ↑ صف/سوره ۶۱، آیه ۴.
۱۵. ↑ هود/سوره ۱۱، آیه ۱۱۲.
۱۶. ↑ توبه/سوره ۹، آیه ۱۲۳.
۱۷. ↑ توبه/سوره ۹، آیه ۷۳.

منبع

اندیشه قم
سایت پژوهه، برگرفته از مقاله «وظیفه علمی و عملی ما در برابر قرآن»، تاریخ بازیابی ۹۵/۱/۲۴.

رده‌های این صفحه : اصطلاحات اسلامی | تفسیر | قرآن شناسی | کتب آسمانی | مقالات اندیشه قم | مقالات پژوهه | وزگان قرآنی